

منظر هندی - ایرانی

باغ‌های دکن در جنوب هند

چکیده | این مقاله به بررسی برخی از باغ‌های هندی-ایرانی قرن شانزدهم و هفدهم در منطقه «دکن»^۱، در جنوب هند می‌پردازد. مدعای مقاله این است که نوع زمین و شیوه مدیریت آب در جنوب هند گونه‌ای از منظر را پدید آورده که به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای با آنچه در شمال هند و ایران وجود دارد متفاوت است. باغ‌های دکن که در نزدیکی منابع فراوان آب قرار گرفته‌اند، پاسخی به بستر جغرافیایی و فرهنگ بومی هستند. عمارت‌هایی که در میان آب ساخته شده‌اند و جزئیات استخرهایی که در دوران پادشاهی «عادل شاهیان» در نزدیکی «بیجاپور»^۲ ساخته شده‌اند شاهد این امر هستند. جانمایی کاخ‌ها بر روی تپه‌های مشرف بر آب و باغات وسیع نیز پاسخی به بستر جغرافیا و فرهنگ بوده؛ چنان‌که در حیدرآباد و «گلکنده»^۳ در دوران سلسله «قطب‌شاهیان» شاهد آن هستیم. باینکه زنان، شاه را در بازدید از باغات همراهی می‌کردند، باغ‌های ویژه زنان، با نام باغ‌های «زنانه»^۴، تنها در ارگ وجود داشته است؛ جایی که بتوان حفظ حریم خصوصی آنان را تضمین کرد. این باغ‌ها در فصول باران مورد استفاده قرار می‌گرفتند. باغ‌های دکن همچون دیگر باغات شبه‌قاره هند نه تنها در روز که خصوصاً شب‌ها مورد استفاده بوده است و سنت شب‌نشینی هندی به نام «مهتاب-باغ»^۵ در این منطقه رایج بوده است. در نتیجه می‌توان گفت هرچند باغ‌های دکن از خانواده باغ‌های هندی-ایرانی بوده و به نوع مشابهی استفاده می‌شده است، نوع زمین و استفاده از شیوه‌های هندی در مدیریت و ذخیره آب در منطقه دکن، منظر را رقم زده است که ریشه در خاک هند دارد. اگر این باغ‌ها به لحاظ سبک، ایرانی هستند اما مزاج و طبعی بسیار هندی دارند.

علی اکبر حسین

دکتری مطالعات منظر، رئیس دانشکده معماری و محیط، دانشگاه نظیر حسین، کراچی، پاکستان.

aahusaiin@hotmail.com

ترجمه از انگلیسی:

رضاکسروی

kasravi_r@gmail.com

واژگان کلیدی | منظر ایرانی، منظر هندی، باغ‌های هند، منطقه دکن.

این مقاله به برخی از باغ‌های قرون شانزدهم و هفدهم بیجاپور و گلکندا می‌پردازد. زمین بلند و سکو مانند دکن غربی و شکل سنگی-صخره‌ای زمین در دکن شرقی (Alam, 1974)، منظر جنوب هند را از منظر مسطح آبرفتی که در امتداد رودخانه‌های دائمی شمال هند و پاکستان وجود دارد کاملاً متفاوت ساخته است. در بسیاری از مناطق شمالی هند تقریباً نیمی از آب موردنیاز برای آبیاری از دل زمین تأمین می‌شود در حالی که سابقه کانال‌کشی برای آبرسانی حتی به پیش از دوران حکمرانی پادشاهان مغول بازمی‌گردد. اما در دکن تنها یک پنجم آب موردنیاز برای آبیاری از چاه‌ها تأمین می‌شود و مناطق وسیعی متکی به شیوه بومی ذخیره آب در مخازن سطحی و چاه‌های پله‌دار (باثولی^۷) هستند (Goodin & Northington, 1985: 85, 87).

باغ‌های منطقه دکن

باغ‌های گلکندا: باغ‌های لذت شاهی در شهرهای قطب‌شاهی گلکندا و حیدرآباد عمدتاً در اطراف مخازن آب قرار داشتند. در میان‌شان حوض‌های بزرگی وجود داشت و کمتر مانند نمونه‌های شمالی در امتداد رودخانه‌های دائمی ساخته می‌شدند. حکمرانان سلسله قطب‌شاهی از شکل زمین برای ساخت مخازن آب و باغات استفاده می‌کردند. از گودی‌ها برای ساخت مخازن آب و از تپه‌ها، نظرگاه برای دیدن آب و سبزی می‌ساختند. مثال روشن آن، محصور شدن ارگ گلکندا در سبزی و مخازن آب است. نمونه‌های فراوانی از این باغ‌ها در گلکندا و حیدرآباد وجود دارد. در حیدرآباد مجموعه‌ای از باغات، پیرامون منبع آبی به نام «حسین سگر^۸» شکل گرفته و از تپه‌ای به نام «کوه نبات قات^۹» در نزدیکی آن به‌عنوان نظرگاه طبیعی استفاده می‌شده است. در نزدیکی ارگ گلکندا بر روی تپه، دو عمارت کلاه‌فرنگی مشرف بر منبع آب و یک باغ قرن شانزدهم (در حال حاضر یک شالیزار) وجود داشته است (تصویر ۲). باغ‌ها بخشی از شبکه منابع آب نیز به شمار می‌آمدند. از توسعه ارگ گلکندا یک باغ شاهی چهل جریبی متعلق به قرن هفدهم باقیمانده که در حال حاضر بیشتر آن شالیزار است. باغ، به‌علاوه دو منبع دائمی آب که خارج از ارگ و در زمینی مرتفع‌تر قرار داشته و آب مخازن داخل ارگ و باغ را تأمین می‌کند، بخشی از یک شبکه مخازن را شکل می‌دهد. آب مازاد باغ به مخزن دیگری در پایین دست و خارج از



تصویر ۱: قلمروهای پادشاهی در دکن، بیجاپور و گلکندا. مأخذ: Husain, 2011.

مقدمه | بر پایه شواهد موجود، باغ‌های شبه‌قاره هند-پاکستان از قرن شانزدهم تا هجدهم با دوران امپراتوری مغول در شمال هند پیوند خورده است. دورانی که شبه‌قاره زیر نفوذ فرهنگی و سیاسی صفویان ایران بود. از این رو است که این باغ‌ها را می‌توان هندی-ایرانی نامید. اما سنت باغ ایرانی بسیار پیشتر از بابر، اولین حکمران مغول که در سال ۱۵۲۶ میلادی «آگرا» را در هندوستان شمالی پایتخت خویش قرار داد، توسط صفویان، نخبگان و سلاطین به شبه‌قاره منتقل شده بود. به‌علاوه نفوذ ایران تنها به پاکستان و شمال هند محدود نبود. سنت‌های فرهنگی در دوره حکمرانی عادل‌شاهیان و قطب‌شاهیان در جنوب هند، همان قدر که وام‌دار ایران است، وام‌دار هندوستان نیز هست. این سنت‌های فرهنگی منجر به ایجاد یک هویت فرهنگی تلفیقی ویژه در دو قلمرو حکومتی اصلی دکن یعنی بیجاپور و گلکندا شده است (Husain, 2000: 30)؛ (تصویر ۱).



تصویر ۲: کوشک‌های بالای تپه‌ها و مشرف بر باغات.
عکس: علی اکبر حسین.



تصویر ۳: منابع تأمین آب باغ‌ها در ارگ گلکندا.
عکس: علی اکبر حسین.



تصویر ۴: بقایای باغات در ارگ گلکندا.
عکس: علی اکبر حسین.

ارگ تخلیه می‌شده است^{۱۰} (تصویر ۳ و ۴).
- باغ‌های بیجاپور: آب شهر بیجاپور در دوران عادل شاهیان از طریق مخازن آب خارج از شهر و نیز کانال زیرزمینی تأمین می‌شد که توسط مهندسانی از خاندان «آفایان» ایران ساخته شده بود و آب را به نقاط مختلفی از شهر می‌فرستاد که در حوض‌هایی ذخیره می‌شد. باغ‌ها و قصرها در پیرامون این حوض‌ها ساخته می‌شدند، مانند «اثر محل» که حوض آن با ردیف‌های پله در گوشه‌ها نوعاً هندی است. حوض حفر نشده، بلکه با دیواره‌های بنایی ضخیم ساخته شده است. در امتداد دو دیواره طولانی‌تر و نیز بر سطح بالایی، پیاده‌روی در مجاورت استخرهای کم‌عمق وجود دارد و کل این‌ها از سه جانب، با باغی که حدود سه متر پایین‌تر از سطح بالایی حوض است محصور شده و از جانب چهارم به کوشک محدود می‌شود. شاه‌نشین مشرف بر آب و باغ از روی ایوان دوطبقه‌ای که سقف چوبی مطالی آن بر ستون‌هایی عظیم از چوب ساج قرار دارد یادآور کوشک‌های صفوی در ایران است (Husain, 2012: 31) (تصویر ۵).

شکارگاه «کوماتگی»^{۱۱} به مرکزیت یک مخزن آب، در فاصله چند مایلی بیجاپور قرار دارد. دو عمارت شاهی که در این



تصویر ۵: «اثر محل» در بیجاپور و حوض آن.
عکس: علی اکبر حسین.



تصویر ۶: «عمارت دوش» در کوماتگی، بیجاپور.
عکس: Antonio Martinelli.

پایین را تأمین می‌کرده است. عمارت در میان یک استخر آب قرار داشت و دیوارکوب‌های طاووس شکلی که بر دیوارهای خارجی آن الصاق شده بود، آب را همچون باران‌های موسمی به درون استخر پرتاب می‌کرد (تصویر ۶). بزرگداشت و جشن باران‌های موسمی یا در انتظار برای فصل آن رسمی کاملاً

شکارگاه حفظ‌شده‌اند، گواهی از وجود باغ‌های وسیع و مزارع در اطراف مخزن آب هستند. از این عمارت‌ها، هر از گاهی به هنگام تمایل سلطان به شکار استفاده می‌شده است. «عمارت دوش»^{۱۲} (امروزه به این نام خوانده می‌شود)، بنایی بود دوطبقه با یک مخزن ذخیره که آب لازم برای یک حمام بخار در طبقه



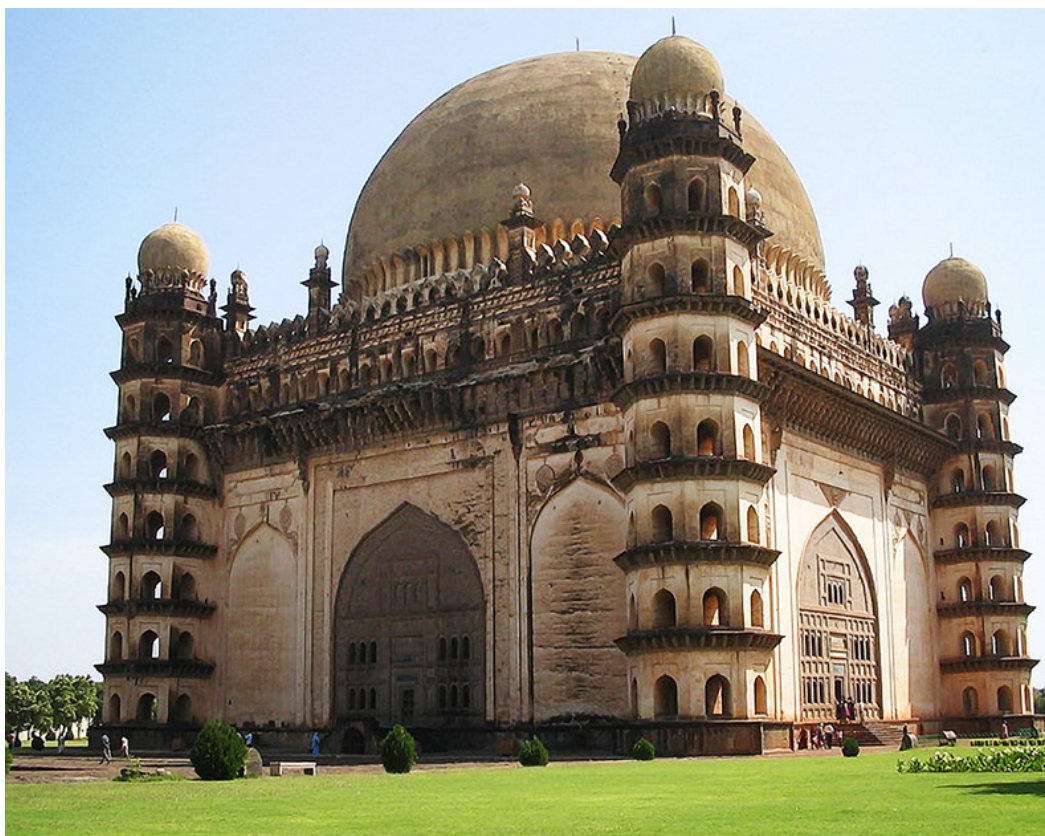
تصویر ۷: حوض مشترک بین مقبره و مسجد در «ابراهیم روزه»، بیجاپور.
عکس: علی اکبر حسین.

نقش کلیدی عنصر آب در آرایش فضایی و چیدمان دیگر عناصر در پیرامون آن، باغ‌های دکن را به عضوی از خانواده باغ‌های هندی-ایرانی تبدیل کرده است. دیگر وجه اشتراک این باغ‌ها با سایر باغ‌های هندی-ایرانی «مرکزیت یافتن آن‌ها جهت فعالیت‌های حکومتی، مراسم مهم از جشن‌های تولد و ازدواج گرفته تا تاج‌گذاری و تدفین است» (Wescoat & Wolschke-Bulmahn, 1996). به‌علاوه این باغ‌ها همچنان نقش عرفی خود را، یعنی محلی برای خوش‌گذرانی، تفریح و لذت بردن از حضور آب دارند. لذت بردن از آب در واقع، همه‌جا در دکن نمود دارد؛ در ردیف‌های پله که لبه‌های آب را مشخص می‌کنند (مانند اثر محل که پیشتر بدان اشاره شد) یا پله‌هایی که به یک استخر یا حوض می‌رسند و نمونه‌های آن را می‌توان در مساجد و مقابر دید (تصویر ۷). در عمارت دوش در کوماتکی و بائولی‌ها نیز این پله‌ها مشاهده می‌شود.

باغ-مزارها در گلکندا و بیجاپور

از باغ-مزارها، امروزه تنها گورستان سلطنتی گلکندا به‌عنوان یک جاذبه باقیمانده است. آثار اندکی از لعاب سبز و آبی گنبد‌های مقابر باقیمانده اما ساختمان‌ها مرمت‌شده و

هندی است و در سایر باغ‌های شبه‌قاره نیز دیده می‌شود. بنای «گالری تصاویر» (چیتارسال ۱۳) عمارت دیگر کوماتکی است که با استخرها و دیوارهای نقاشی شده به‌عنوان خوابگاه سلطنتی و محلی برای پذیرایی استفاده می‌شده است. احاطه عمارت‌ها با پوشش گیاهی متراکم احتمالاً برای کنترل نور خورشید و همچنین تأمین خلوت و آسایش بوده است؛ هنگامی که برای گریزی دلپذیر از وظایف و شرایط آب و هوایی، مناظر، صداها و رایحه‌های خوش، ترکیبی خوشایند ایجاد می‌کنند. عمارت‌های تفریحی که سلطان به شیوه شخصی در یک باغ برای خود می‌ساخت به‌عنوان الگویی از سوی اشراف و اعضای خانواده سلطنتی استفاده‌شده و به‌این ترتیب تعداد زیادی عمارت شبیه به‌هم در پیرامون مخزن بزرگ آب ساخته‌شده بوده که متأسفانه همگی تخریب‌شده‌اند. باغ‌های اطراف این عمارت‌ها نیز از بین رفته‌اند اما آثار سیستم‌های هیدرولیکی در عمارت‌های سلطان، که آب را از برکه آورده، آن را در یک برج آب ذخیره و برای تغذیه استخرها و باغات هدایت می‌کرد، تا حدودی مرمت شده است. یک عمارت در وسط منبع آب بزرگ کوماتکی باقیمانده است که نشان‌دهنده لذت بردن از آب و نسیم ملایم است (Husain, 2016).



تصویر ۸: «گل گنبد»، بیجاپور.
عکس: علی اکبر حسین.

پوشش آهکی (چونام^{۱۴}) گنبدها به صورت دوره‌ای سفیدکاری می‌شود. برخی مقابر اینجا حاصل یک عمر کار بوده‌اند و برای آماده‌سازی برخی، یک عمر هم کفایت نکرده است. فرارگیری مقبره‌ها بالاتر از سطح باغ، آن‌ها را به «کوهی از نور» در تقاطع محورهای اصلی آن تبدیل کرده و ارتباط هر یک با دیگری از پیش تعیین‌شده که نتیجه آن ایجاد حیاط‌های متصل به هم است.

پیرامون مقابر شاهی بیجاپور، که در مکان‌های مختلفی در شهر دیده می‌شود، هم می‌توان از مقیاس و جسارت ایده، و هم جزئیات معماری و هماهنگی ترکیب آن صحبت کرد. «گل گنبد»^{۱۵} (مقبره محمد عادل شاه، متوفی به سال ۱۶۵۶ میلادی) یک نقطه عطف است. گنبد آن که در شبه‌قاره بی‌نظیر است توسط چهار مناره بزرگ روشن می‌شود؛ مناره‌هایی که شبیه فانوس‌های یک معبد «چینی» در نزدیکی آن است (تصویر ۸). گل گنبد، بیست‌وشش جریب زمین (حدود ۱۰/۵ هکتار) و منطقه‌ای گسترده در امتداد ضلع شرقی آن را در برمی‌گیرد که برای تجهیزات تأمین و ذخیره آب، از جمله

بائولی‌ها، برج‌های آب، و مانند آن استفاده شده است. در مقایسه، «ابراهیم روضه» (مقبره ابراهیم عادل شاه، متوفی به سال ۱۶۲۷) تنها ۴/۲ جریب (حدود ۱/۷ هکتار) وسعت دارد. هم گل گنبد و هم ابراهیم روضه مجموعه‌ای از آرامگاه، مسجدی بر روی صفه، یک حوض مشترک با ردیف‌های پله به شیوه هندی و مکانی برای مراقبه و وضو گرفتن را در برمی‌گیرند. در ابراهیم روضه، حوض در وسط پلان قرار دارد و مسجد و توده مقبره در دو طرف مکمل یکدیگرند؛ اما مقبره محمد، روی صفه و در ساختار باغ به صورتی آشکار چیره و مسلط است. در مقایسه این دو مقبره می‌توان موارد زیاد دیگری را نیز افزود که تجربه باغ را در آن‌ها متفاوت می‌کند. در مقبره ابراهیم روضه، در آستانه درگاه، نوعی حس آگاهی از رسیدن وجود دارد؛ نوعی حس آرامش و محرمیت. در گل گنبد، مقیاس فضا بسیار تأثیرگذار است و احساس تهی بودن روی تراس‌های وسیع و تخت منتهی به مقبره، که درختچه‌های منفرد پراکنده در گرمای طاقت‌فرسا آن را تشدید می‌کند، مقبره را تحقیر کرده است. به دلیل فقدان

درخت و نبود حس محرمیت، اینجا دیگر باغ نیست و صرفاً یک بنای یادمانی است که بیابانی متجاوز آن را فراگرفته است (Husain, 2012: 32,33).

شواهد ادبی در استفاده از باغ

چگونگی استفاده از باغ هنوز مورد بحث قرار نگرفته است. چگونه و در چه زمانی از این باغها استفاده می شده است؟ آیا عموم مردم به آن دسترسی داشته اند؟ آیا در زمانهای خاصی دسترسی عمومی وجود داشته؟ و نقش زنان در باغ چه بوده است؟ تمایز باغهای خصوصی و عمومی در استفاده از اصطلاح «باغ خاص» و «باغ عام» برای مشخص کردن عرصه های خصوصی و عمومی در باغ-تخت های دوره مغول، مانند باغهای لاهور و کشمیر، روشن است. بالاترین تراس (زنانه) مخصوص بانوان خاندان سلطنتی، تراس های طبقات فوقانی، خصوصی و جایگاه اعیان و خانواده سلطنتی؛ و پایین ترین تراس متعلق به عموم مردم بوده است. شواهد این باغ-تختها در دکن بسیار اندک است و شروع آن به دوران پس از اشغال دکن توسط

مغولان در اواخر قرن هفدهم بازمی گردد. استفاده عموم از باغهای شاهی دکن، احتمالاً در مواقع خاصی ممکن بوده است. چنان که مورخان درباری نوشته اند، باغهای شاهی خارج از شهر، گاهی پس از بازدید شاه به روی مردم باز می شد تا از تجهیزات آبی، گل های فصلی و همه آنچه برای بازدید سلطنتی فراهم آمده، شگفت زده شوند. همچون نمونه هایی که در هند شمالی وجود دارند یکی از ویژگی های ارگ های دکن، داشتن یک باغ وسیع زنانه در درون ارگ است. این باغ از ملحقات تزئینی خوابگاه سلطنتی به شمار می رفته و چشم اندازی از تخت سلطنتی به آن وجود داشته است. محرمیت محوطه زنانه را هنوز می توان در خرابه های «باغ لعل» در «بیدار» دید. حوض آب استثنائی آن در انتهای یک محور آبی بلند، گنجی است محافظت شده که کمتر کسی آن را دیده است (تصویر ۹).

آن چنانکه پیشتر گفته شد سلاطین گلکندا در استفاده از زمین صخره ای برای ساخت مخازن در هر دو شهر گلکندا و حیدرآباد موفق بوده اند. کاخها تاجی بر فراز تپه ها بودند و حلقه باغها



تصویر ۹: «باغ لعل»، بیجاپور.
عکس: علی اکبر حسین.

آب لذت می‌برد و شب‌ها با آتش‌بازی و چراغانی در امتداد آبنما و دیوارهٔ مخزن سرگرم می‌شد. روشنایی شناورهای چوبی و آتشی که هنرمندان در چشم‌انداز بوته‌زار پیش رو افروخته می‌شد، دورنمای این منظر را شکل می‌داد (Ibid: 192-193).

گیاهان باغ‌های دکن

- باغ‌های شبانه: برای شاهان ترک ایرانی که در اقلیم حاره‌ای هند باغ‌سازی کرده‌اند، «باغ شب^{۲۰}» و گسترش زمان لذت بردن از باغ در شبانه‌روز، برگی جدید در کتاب باغ‌سازی بود. روزها می‌توان از زیبایی رنگ گل‌های آفتابگردان^{۲۱} محظوظ شد و شب‌ها از تاب و درخشش گل‌ها، میوه‌ها و شاخ و برگ درختان و بوی خوش حاصل از گرده‌افشانی آن‌ها لذت برد. با ناپدید شدن روشنایی روز و برآمدن ماه، جهانی جدید از نجوای گیاهان و حشرات پدیدار می‌شد. شاهد در جام‌های گردن‌دراز آشکار و طبق‌ها پوشیده می‌شد از طلای حاصل از گرده‌افشانی؛ و ارتعاش بال حشرات، زنبورها و پروانه‌های حاره‌ای، و صدای زنگ و کرنا طنین‌انداز می‌شد^{۲۲}. شب باغ دکن با چراغ و نور ماه روشن می‌شد. پوشش دیوارها از آهک بود و مهتابی باغ، گویی مانند فلس‌های یک ماهی می‌درخشید. هر «لیموی انگشتی^{۲۳}» که از پیش‌آمدگی سقف (چه‌جا^{۲۴}) آویخته همچون آمرودی واقعی بود (تصویر ۱۰). غنچه‌های نیلوفر آبی بر دیواره سنگی می‌درخشید و هر یک از درختان مارپیچ^{۲۵} عرصه باغ (آنگان^{۲۶})

پیرامون مخازن آب کشیده شده و در فراسوی باغ‌ها در میان صخره‌ها و منظر بوته‌زارها امکان شکار فراهم بوده است. یکی از این کاخ‌ها که بر فراز تپه‌ای در حومهٔ حیدرآباد ساخته شده، کاخی سه‌طبقه به نام «کوه طور» است که بنا بر گزارش «حکیم نظام‌الدین گیلانی»، مورخ فارسی‌زبان سلطان، به نظر می‌رسد حرم (شبستان اندرونی) باشد که در فصل بارندگی (برسات^{۱۸}) به‌عنوان «عشرت‌گاه» استفاده می‌شده است. با شروع بارندگی در ماه ژوئن، شاه به باغ‌های پیرامون حیدرآباد سرکشی می‌کند و بنا بر گفتهٔ حکیم گیلانی، تمام لشکریان او در بازدید از «باغ گلشنی»، «باغ لینگامپالی^{۱۹}»، «باغ دلگشا» و کوه طور، وی را همراهی می‌کرده‌اند. در صورت مساعد بودن آب‌وهوا این سفرها می‌توانست تا آخر دورهٔ بارندگی ادامه پیدا کند. تا فاصله سه کیلومتری کوه طور، باغستان و محوطهٔ عمارت‌های امرا بود که به اردوگاه سپاه همراه تبدیل می‌شد و بازارهایی پیرامون این مجموعهٔ چادرها شکل می‌گرفت (Gilani, 1986: 192).

«کوه نبات قات» که پیشتر به آن اشاره شد، کاخ دیگری است که بر فراز تپه‌ای در نزدیکی مخزن «حسین سگر» ساخته شده است. این کاخ توسط باغستان‌ها احاطه شده و براساس نقل حکیم گیلانی، دست کم دو بار به‌عنوان محل مراسم در بازدید سفیر دولت صفوی از گلکندا استفاده شده است. سفیر، نشسته در عمارت سلطان قطب‌شاهی بر روی تپه، در روز از منظرهٔ آب و سبزی و چادرهای رنگین واقع در باغستان در پیرامون مخزن



تصویر ۱۰: جزئیات تزئینات گیاهی در لبة پیش‌آمدگی بام، حیدرآباد.
عکس: علی اکبر حسین.

شواهد ادبی در استفاده از باغ شاهان ترک ایرانی، با وجود اینکه در سال‌های اولیه حضور در شبه‌قاره، همواره برای گل‌های ایران و توران ابراز دل‌تنگی می‌کردند؛ اما در خاطرات خود از احساسشان نسبت به گیاهان هندی که خود پرورش دادند نوشته‌اند. همواره از سرو، بید، سپیدار، درختان میوه و گل سرخ در مباحث پیرامون درختان و درختچه‌های هندی یاد شده است. با جاگیر شدن قطب‌شاهیان و عادل‌شاهیان در دکن و پیدا شدن شاعران درباری در قرن هفدهم کم‌کم چتر نارگیل برایشان به‌اندازه چنار، سبز و سایه‌انداز شد. درخت «سوپاری»^{۳۵} برازنده‌تر از سرو، و مزارع برنج دکن با طراوت‌تر از زمین‌های کشت خربزه و هندوانه به نظرشان آمد؛ و ریحان هندی (نازبو) به‌اندازه سنبل ایرانی برایشان جذاب شد. اگر گل صدف در دکن به عمل نمی‌آمد در عوض گل همیشه‌بهار وجود داشت. عطر شبانه گل شب بو^{۳۶} بهتر از شب‌بوی زرد^{۳۷} بود و وجود نوع دیگری از شب بو را تأیید می‌کرد که شب بو پادشاه عطرهاست. مرور اشعار به زبان اردوی قدیمی (دکنی) نشان می‌دهد که باغ‌های هندی بیجاپور در میانه قرن هفدهم، تماماً از درختان هندی ساخته شده است. درختانی مانند «پادال»^{۳۸}، «تار»^{۴۰}، «ماری»^{۴۱}، انبه و «جامان»^{۴۲} که شاعران با احساس فراوان از آن‌ها در اشعارشان یاد کرده‌اند (Husain, 2012: 38).

که با شمع‌های خوش‌بو روشن شده بود، همچون چراغی^{۳۷} به نظر می‌رسید.

گیاهان معطر: نور و عطراگینی وجوه مهم باغ‌ها در هر دو فرهنگ ایرانی و هندی هستند و باغ در دکن فی‌الواقع باغ عطر و نور است. در هند نام بسیاری از گل‌های خوشبو یادآور خدای عشق، «کاما»^{۳۸} یا «مادانا»^{۳۹} است؛ و دلالت ضمنی بر ملاحظت و توانایی انگیزتگی دارد. به‌عنوان مثال «مادان مسست»^{۴۰} دو معنا دارد. یکی به معنای ریشه خوراکی گیاه «اروم»^{۴۱} (که یک مقوی جنسی مشهور است) و دیگری عطر برانگیزاننده گونه‌های درختچه^{۴۲} است که گل‌هایش وقتی هنوز روی شاخه پنهان هستند بویی شبیه بوی سیب می‌پراکنند (دقیقاً شبیه مادانا خدای عشق که در اسطوره هندی محکوم به مخفی ماندن بود اما هم‌چنان قادر بود که تیرهایش را به‌سوی قلب قربانیانش هدایت کند). در زبان هندی واژگان مترادف بسیار زیادی برای گیاهان معطر وجود دارد که از بُن «madh» (عسل) برای توصیف شیرینی عسل مانند عطر گل در آن‌ها استفاده می‌کند. مانند واژه «madhmalati» که مترادف نوعی گیاه بالارونده^{۴۳} رایج در ساخت طاق‌های گیاهی در سنت هندی است؛ واژه «madhavi» که آن‌هم نام گیاهی بالارونده^{۴۴} است؛ و یا درخت «Madhuca indica» که به خاطر رایحه بسیار شیرین به این نام خوانده می‌شود.

فارسی را با سایه‌بان سبز هندی^{۴۳} کنار هم آورده و سبک (پیرایه) ایرانی را با طعم (مزاج) هندی درآمیخته است.

نتیجه‌گیری | به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت فرهنگ پادشاهی‌های دکن آمیزه‌ای از دو جریان فرهنگی بوده است و در نتیجه باغ‌های دکن نیز باغ‌هایی تلفیقی هستند که «چمن»

پی‌نوشت

- ۱۰- برای شرح بیشتر در مورد این دو باغ رجوع کنید به: Husain, 1996.
- ۱۱- Kumatgi
- ۱۲- Shower Pavilion
- ۱۳- Chitarsāl
- ۱۴- Chūnam
- ۱۵- Gol Gumbaz
- ۱۶- Dīpdāns
- ۱۷- Jain Temple
- ۱۸- Barsā

- ۱- Deccan
- ۲- Bijapur
- ۳- Golconda
- ۴- Zenana Gardens
- ۵- Moon Garden
- ۶- Agra
- ۷- Bāolis
- ۸- Husain Sagar
- ۹- Koh-i-Nabāt Ghāt

- ۲۷- Jhār Fānūs : نوعی چراغدان برنجی پایه‌دار، با شمعدان‌های چند شاخه که در حدیقه‌السلطین توصیف شده است (Gilani, 1986).
- ۲۸- Kama
- ۲۹- Madana
- ۳۰- Madan Mast
- ۳۱- Amorphoplallus Campanulatum
- ۳۲- Artabotrys
- ۳۳- گونه‌ای Aganosma
- ۳۴- گونه‌ای Hiptage
- ۳۵- گونه‌ای Supiari
- ۳۶- Tuberose
- ۳۷- Wallflower
- ۳۸- Pādal, Stereospermum sp.
- ۳۹- Jack-fruit, Artocarpus sp.
- ۴۰- Tar, Palmyra palm
- ۴۱- Māri, Caryota urens
- ۴۲- Jāman, Syzgium sp.
- ۴۳- Bel Mandwa
- ۱۹- Bāgh-i Lingampallī
- ۲۰- Evening Garden
- ۲۱- Gul-e Khurshīd. به‌عنوان مثال در «دروازه باغ گلابی» (Gulābī Bāgh Gateway) متعلق به قرن هفدهم در لاهور یافت می‌شود.
- ۲۲- «پروانه‌ها و حشرات خرطوم‌های بلندی برای مکیدن دارند... در پروانه‌های مناطق حاره‌ای، طول این خرطوم گاهی به ۲۵ سانتیمتر می‌رسد... گل‌های زیادی با جام‌های لوله‌ای بلند و باریک وجود دارد... که شهدشان در عمق این جام‌ها قرار گرفته و تنها پروانه‌ها و حشرات می‌توانند به آن دسترسی پیدا کنند... پروانه‌های بیدی، که بیشتر در شب پرواز می‌کنند، بر روی گل‌ها نمی‌نشینند، بلکه در مقابل آن‌ها در هوا می‌مانند و با خرطوم شهد را می‌مکنند. (Loveglass, 1983)
- ۲۳- Fingere Citron. یا «دست بودا» نوعی میوه از خانواده لیمو
- ۲۴- Chhajjā
- ۲۵- در بسیاری از درختان بومی جنگل‌های استوایی، آرایش شاخه‌ها به شکل‌های مارپیچ است. نگاه کنید به :
- Longman, K.A., and Jenik, J. 1974. *Tropical Forest and its Environment*. London: Longman. op. cit., p. 61.
- ۲۶- āngan

فهرست منابع

- Alam, S. M. (1974). *Planning Atlas of Andhra Pradesh*. Governments of India & Andhra Pradesh.
- Goodin, J.R., & Northington, D.K. (Editors). (1985). *Plant Resources of Arid and Semi- Arid Lands*. Florida: Academic Press Inc.
- Gilani, N. A. (1986). *Hadiqat as-Salatin*. Urdu transl. K.M. Sarwar. Hyderabad: Syed Abdul Qadir Khushnavis.
- Husain, A.A. (1996). Qutb Shahi Garden Sites in Golconda and Hyderabad. In *The Mughal Garden: interpretation, conservation and implication*. Edited by Wescoat, J., Hussain, M. & Rehman, A. Lahore: Ferozsons.
- Husain, A.A., (2012). *Scent in the Islamic Garden*. Karachi: Oxford University Press.
- Husain, A.A., (2016). [Forthcoming] *Perfuming the Heart: A Study of a 17th Century Perfumery Treatise from Islamic India. In Sound and Scent in the Garden*. Edited by Ruggles, F. Cambridge: Harvard University Press.
- Longman, K.A. & Jenik, J. (1974). *Tropical Forest and its Environment*. London: Longman.
- Loveglass, A.R. (1983). *Principles of Plant Biology for the Tropics*. London: Longman and Green.
- Wescoat, J. & Wolschke-Bulmann, J. (Editors). (1996). Sources, Representations, Places, Prospects: A Perspective of Mughal Gardens. In *Mughal Gardens: Sources, Places, Representations, Prospects*. Washington D. C.: Dumbarton Oaks.